فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

معنای پنجم رفق: عدم ایذاء و اهانت 2

معنای ششم رفق: رغبت 3

ادله معنای ششم 3

حدیث اول 4

بررسی سندی 5

1) روش‌های اثبات وثاقت 5

مشرب‌های رجالی 6

1. مشرب اخباری‌ها 6

2. مَشرب سامرایی 6

3. مَشرب اصولیون متأخر 6

3.1. مشرب مرحوم خویی 7

3.2. مشرب مرحوم بروجردی 7

3.3. مشرب آیت‌الله زنجانی 8

2) نقل اصحاب اجماع 8

3) کثرت روایت 8

بررسی دلالت 9

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی **(رفق و مدارا)**

اشاره به مباحث قبل:

در بحث رفق و مدارا و رعایت توانایی‌های متربی، چند معنی مطرح شد:

1ـ رعایت رفق و مدارا به معنای امکان ذاتی؛

2ـ رفق و مدارا به معنای امکان عرفی؛

3ـ رفق و مدارا به معنای این که فعالیت‌های تربیتی حرجی نباشد. متربی را در حرج و مشقت شدیده نیندازد.

4ـ رفق و مدارا به معنای عدم وقوع در ضرر و عدم اضرار به طرف تبلیغ و هدایت و متربی؛

5ـ رفق و مدارا به معنای عدم ایذاء و اهانت متربی؛

معنای پنجم رفق: عدم ایذاء و اهانت

معنای پنجم رفق و مدارا این است که موجب ایذاء و اهانت و آزار مخاطب نشود. این‌ها در روایات به‌وفور مورد توجه قرار گرفته است. کتاب «العشره» را ملاحظه کنید؛

«**... يَا مُحَمَّدُ- مَنْ‏ أَهَانَ‏ لِي وَلِيّاً فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَة**»[[1]](#footnote-1)

«**... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص‏) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ‏ أَهَانَ‏ لِي وَلِيّاً فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي**»‏[[2]](#footnote-2)

این هم بحث پنجم است. لزوم رعایت رفق و مدارا به این معنی، یعنی محدود شود مجموعه‌ی فعالیت‌ها به عدم ایذاء و اهانت. بر اساس قاعده تزاحم، اهم و مهم می‌شود؛ گاهی ایذاء و اهانت جایز می‌شود به دلیل اهم، موضوع اهم نوعی از ایذاء، اهانت و آزار را تجویز می‌کند.

معنای ششم رفق و مدارا: رغبت

مطلب ششم رفق و مدارا در تعلیم و تربیت به معنای رعایت رغبت و کشش‌های فرد، احساس آرامش و آسایش شخص است. گاهی در تعلیم و تربیت رعایت آرامش و آسایش فرد نمی‌شود، بلکه نوعی ناکامی، تلخ‌کامی است.

این معنا از رفق و مدارا در درجه پایین‌تر از معانی قبلی است؛ در قبلی‌ها فرد اقدام می‌کرد یا توان برای اقدام نداشت، یا موجب حرج یا ضرر و یا اهانت و ایذاء فرد می‌شد اما در این معنای ششم، مربی برای تربیت اقدام می‌کند با روشی که برای متربی تلخی دارد، نوعی سنگینی وجود دارد. فرد کشش ندارد؛ و لو قدرت دارد ولی کشش با رغبت و دل‌نشینی ندارد. این مقصود از معنای ششم است. در این مفهوم نوعی کلفت، تلخی و سختی وجود دارد. این است که گاهی به شکل ایجابی و گاهی به شکل سلبی مطرح می‌شود. گفته می‌شود مربی باید از روش‌های ترغیب‌کننده استفاده کند اما از روش‌های تلخ، سنگین و دل‌زننده اجتناب کند.

ادله معنای ششم

برخی ادله عام و شامل است.

روایاتی که بخشی از آن در باب 14 امر به معروف و نهی از منکر آمده است. در اوایل بحث از رفق و مدارا گفتیم که رفق و مدارا دو نوع مصداق کلی دارد:

1) رفق و مدارا در ارتباطات اجتماعی که به دنبال اثرگذاری نبودیم. روایات این بحث را از کتاب‌های بحار، وسایل و ... نقل کردیم؛ کتاب العشره وسایل و بحار، کتاب جهاد النفس، ابواب «التقية و المداراة» بود. روایات چند باب را خواندیم.

2) رفق و مدارا در تربیت؛ در این معنای ششم که رفق و مدارا در مقام تربیت، امر و نهی (امر به معروف و نهی از منکر) و هدایت دیگران، مقام موعظه، دستگیری دیگران و ... هستیم که جنبه تربیتی دارد. در این مورد هم روایات متعددی در ابواب مختلف وارد شده است.

برخی از روایات مذکور در بحث قبلی، اینجا قابل استفاده است؛ این‌جا یک باب خاص هم دارد. تعبیر صاحب وسایل این است:

بَابُ اسْتِحْبَابِ‏ الرِّفْقِ‏ بِالْمُؤْمِنِينَ فِي أَمْرِهِمْ بِالْمَنْدُوبَاتِ‏ وَ الِاقْتِصَارِ عَلَى مَا لَا يَثْقُلُ عَلَى الْمَأْمُورِ وَ يُزَهِّدُ فِي الدِّينِ وَ كَذَا النَّهْيُ عَنِ الْمَكْرُوهَاتِ‏[[3]](#footnote-3)

ایشان قید «بِالْمَنْدُوبَات» دارد اما ما تعمیم می‌دهیم. تعبیر قشنگی است.

و «مَا لَا ...يُزَهِّدُ فِي الدِّينِ» بی‌رغبت در دین نکند. سخت‌گیری و تندی افراد را بی‌رغبت می‌کند.

«وَ كَذَا النَّهْيُ عَنِ الْمَكْرُوهَات» روایاتش را مراجعه کنید و ببینید.

حدیث اول

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «**يَا عُمَرُ لَا تَحْمِلُوا عَلَى‏ شِيعَتِنَا وَ ارْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ**».[[4]](#footnote-4)

تحمیل نکنید چیزی را بر شیعیان چون عموم مردم توان تحمل ندارند و رعایت کشش و توانایی او را از حیث شخصیتی و جهات دیگر بکنید.

بررسی سندی

راویان این روایت هم ثقه هستند و فقط در مورد شخص عمر بن حنظله اختلاف است. قصه‌ی عمر بن حنظله ذیل بحث روایات «مقبول» در اجتهاد و تقلید مطرح شد. او توثیق خاص ندارد، چیزهایی به عنوان توثیق عام هم گفته شده است ولی هیچ‌کدام دل‌چسب نیست مگر توثیق عامی که مرحوم تبریزی بیان می‌نمودند.

به باور مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی و برخی از بزرگان معاصر، اگر راوی از رجال مشهور باشد و قدحی هم درباره وی وارد نشده باشد، این نشان می‌دهد که راوی ثقه است. ما هم این را قبول کردیم؛ البته با چند قید دیگر. پس مشهور بودن راوی، عدم ورود قدح درباره‌ی او، به علاوه دو نکته دیگر، با این قیود، راوی معتبر می‌شود. دلیل قبول وثاقت چنین راوی آن است که اگر آدم مشهور مشکلی می‌داشت، حتماً نقل می‌شد؛ مخصوصاً اگر انسان مشهور صاحب قدرت نباشد، بلکه اشتهارش به خاطر فضلش باشد. این اشتهار به علاوه عدم قدح، شبیه آن است که عدم ردع کاشف از تأیید و رضایت است.

در اینجا یک چیز اضافه می‌کنیم و آن اینکه عمر بن حنظله روایت مشهوری را نقل کرده که همه فقها آن را تلقی به قبول کرده‌اند (مقبوله عمر بن حنظله). بنابراین حرف‌های او مورد اعتماد بوده است. بعید نیست روایات عمر بن حنظله مورد اعتماد و مقبول باشد، چنانچه مقبوله معروف از وی قبول شده است.

روش‌های اثبات وثاقت

عدم توثیق در رجال جای بحث دارد، اگر کسی از طرف نجاشی، شیخ و کشی توثیق نشده باشد، آیا می‌تواند معتبر باشد؟ به نظر ما قرار نبوده است که آن‌ها همه را نقل کنند؛ گاهی برخی بزرگان را نجاشی نیاورده است، بلکه بیشتر صاحبان آثار را آورده است.

مشرب‌های رجالی

اشاره کنم که در دوره‌های اخیر بنده حساس شدم نسبت به مکتب رجالی مرحوم آیت‌الله بروجردی که به قرائن در رجال دقت می‌شود. در رجال چهار مشرب وجود دارد:

1. مشرب اخباری‌ها

مشرب اخباری بر آن استوار است که روایات کتب اربعه را قبول دارند. آن‌ها را بدون بررسی رجالی متلقّا به قبول کرده‌اند. این مشرب خیلی عام است.

2. مَشرب سامرایی

مشرب دیگری که با تخفیف قائل به بررسی رجالی بودند؛ کسانی چون شیخ، نائینی، آخوند خراسانی، آقا ضیاء، اصفهانی، شیخ الشریعه، میرزای شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری و بیشتر مکتب سامرا، به این مشرب عمل کرده‌اند. این‌ها تا حدودی تحت تأثیر اخباری‌ها بودند لذا خیلی متَه به خشخاش نمی‌گذاشتند؛ بیشترین دقت را روی دلالت‌ها داشتند. بیشتر روی اصول کلی و تفریع فروع رفته‌اند. این گروه از جهتی تحت تأثیر اخباری‌ها بودند، لذا خیلی دقت رجالی نداشتند و از طرفی به عقل و دقت‌های عقلی و عقلایی هم توجه داشتند و همین هم مایه‌ی مَیزشان با اخباری‌ها بود.

3. مَشرب اصولیون متأخر

مشرب سوم بر این باور است که در تعامل با اخبار باید مداقه کرد و بررسی سندی را انجام داد. نمی‌شود چیزی را مفروض بگیریم و به همه روایات کتب اربعه اعتماد کنیم!

پس اخباری بنا را بر اعتماد مطلق به روایات گذاشته است، مشرب دوم در عین تفاوت با اخباری‌ها، با درجه خفیف‌تر به اخبار اعتماد می‌کردند، اما مشرب سوم لزوم پرداختن به رجال و درایه را مطرح کرده‌اند؛ این مشرب به چند شاخه تقسیم می‌شود:

3.1. مشرب مرحوم خویی

یک شاخه از معتقدان به علم رجال، مرحوم خویی است. کتب چهارگانه معتبر رجالی (رجال و فهرست شیخ، رجال کشی و رجال نجاشی) را قبول دارد. ایشان توثیقات خاصه و عامه را مهم می‌داند.

3.2. مشرب مرحوم بروجردی

مشرب دوم از مرحوم بروجردی است، این مشرب (برخلاف مشرب خویی) خوب پروبال پیدا نکرده است. این مشرب خیلی مدون نشده است. این مشرب تصلّب روی توثیق و قدح ندارد، بلکه قرائن و شواهد مختلف را بررسی می‌کند از قبیل طبقات حدیث، شواهد پراکنده و ...

تفاوت دو دیدگاه خویی و بروجردی در این است که خویی روی کتب اربعه رجالی و قواعد عامه رجالی تأکید می‌کند و معیارهای مشخص ارائه می‌دهد. اما مرحوم بروجردی طبقه‌بندی روات، دوره‌ها، شرایط زمان و مکان، کم‌وزیاد بودن روایت، قرائن حالیه روایات و ... را ملاک قرار می‌دهد.

آیت‌الله تبریزی می‌گوید وقتی رفتم نجف خود را مستغنی می‌دانستم، یک دوره آقایان علمای بزرگ نجف را دور زدم. در یک جلسه با مرحوم آیت‌الله خویی بحث کردم، دیدم که چیزهای نویی به دستم آمد؛ بعد از آن مدتی شاگردش شدم لذا ایشان سبک فقاهت خویی را گرفته است اما مشرب رجالی‌اش متفاوت است. طبقات رجال خیلی کار کرده است، در زمستان و تابستان و چه زحمت‌ها که نکشیدند.

اینکه خویی هم به طبقات رجال وارد شده است، شاید تحت تأثیر مشرب بروجردی بوده است. و ممکن است ایشان از طریق شاگردان خود بر مبانی بروجردی آگاهی یافته باشد؛ شاگردان عامل انتقال دو دیدگاه بودند. این مشرب بروجردی روی قواعد خط کشیده و به قواعد معین ملتزم نیست. در مواردی به حسن هم توجه دارد. مکتب رجالی بروجردی مانند مشرب خویی خوب جا نیفتاده است؛ طبیعت آن سخت است چون قاعده‌مند نشده است. قواعد اصلی را به صورت مکتب درنیاورده است.

پس مشرب‌های رجالی عبارت‌اند از:

1) مشرب اخباری؛

2) مشرب شیخ و مَن تبعه؛

3) مشرب خویی؛

4) مشرب بروجردی؛

3.3. مشرب آیت‌الله زنجانی

کسی مانند آقای زنجانی قابل‌اعتنا است. من شاگردی ایشان را زیاد نداشتم، بیشتر از محضر مرحوم تبریزی استفاده کردم. درعین‌حال مدت کوتاهی از محضر آیت‌الله زنجانی استفاده کردیم. دیدگاه‌های ایشان نظر جدید است. دیدگاه رجالی ایشان بالقوه می‌تواند یک مشرب به حساب آید. در صورتی تبدیل به مشرب می‌شود که همانند جلد اول کتاب رجالی آیت‌الله خویی شده باشد.

2) نقل اصحاب اجماع

یکی از قرائن صحت حدیث، نقل اصحاب اجماع از راوی است؛ در مورد تعداد اصحاب اجماع اختلاف است، تا 12 نفر گفته شده است ولی ما اصحاب اجماع را سه نفر می‌دانیم. ما صفوان، ابن ابی‌عمیر و بزنطی را اصحاب می‌دانیم. اصحاب اجماع از عمر بن حنظله نقل نکرده است.

3) کثرت روایت

یکی دیگر از قرائن اعتبار روایت، کثرت روایت است؛ عمر بن حنظله قابل قبول است؛ مجموع روایات عمر بن حنظله به 50 الی 70 می‌رسد. اگر تعدد روایات وی بیشتر می‌بود شاید اعتبارش هم بیشتر می‌بود.

پس اگر بر اساس مشرب خاص عمر بن حنظله توثیق نشود؛ اگر صفوان از او نقل کرده باشد؛ معتبر می‌شود. در مجموع عمر بن حنظله را نمی‌توان رد کرد بلکه روایات وی در حد مقبوله است. این بحث سندی امروز کمی طول کشید.

بررسی دلالت

تعبیر و مضمون این روایت «**لَا تَحْمِلُوا عَلَى‏ شِيعَتِنَا وَ ارْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ**» در روایات دیگر هم آمده است که «**هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَعْبٌ‏ مُسْتَصْعَبٌ‏ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُمْتَحَنٌ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ**».[[5]](#footnote-5) یعنی همه توان عمل ندارند.

مضمون دیگر داریم که طبقه‌بندی می‌کند اصحاب ائمه را که هر کدام سطحی از درک داشتند متفاوت از قدرت ادراک دیگری. حالا باید دید که آیا این روایت همین معنی را بیان می‎‌کند یا چیز دیگر؟ انشاءالله فردا عرض می‌کنیم.

1. **. وسائل الشيعة ؛ ج‏2 ؛ ص428** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏2 ؛ ص351** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. وسائل الشيعة ؛ ج‏16 ؛ ص159** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. وسائل الشيعة ؛ ج‏16 ؛ ص159؛ الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏8 ؛ ص334**  [↑](#footnote-ref-4)
5. **. وسائل الشيعة ؛ ج‏9 ؛ ص485** [↑](#footnote-ref-5)